

زشتی و نکوهش تهمت از نظر

قرآن

مسلمانان نمی‌توانند در برابر متهم شدن افراد بیگناه سکوت کنند ، باید تهمت زنده‌را سر جای خود بنشانند

۱- ابداء و اذیت بدون استحقاق، بهتان شمرده شده و دلیل آن اینست که شخص آزاردهنده ، تنها هنگامی به لکر آزار کسی می‌افتد که تلبا برای او نزد خود جرمی برای او تراشیده باشد مثلا می‌گوید چرا این کار را انجام داده‌است و باین ترتیب او را نزدخویش مقصر و گناهکار می‌پندارد درحالیکه این کار و یا آن کار را انجام نداده و او جرمی نداشته‌است و او تنها مرتکب بهتان آشکار گردیده‌است (۱)

قرآن «بهتان» را یکی از گناهان آشکار و ابداء و اذیت بغیر راهکی از مصادیق آن می‌داند چنانکه در سوره احزاب / ۵۸ چنین می‌گوید: «والذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتاناً و اثمأ میبغاً» «آنهائی که مردان و زنان باایمان را ، بی گناه و بدون جهت رنجانیده و آزار دهند دانسته و بعسد ، مرتکب بهتان و گناه بزرگی میشوند». این آیه شریفه بنکاتی چند اشاره می‌کند از جمله :

و در حقیقت برای نابودی انقلاب اسلامی انجام می‌شود و در حقیقت ترویز شخصیت می‌گردد تا بتوانند علاوه شخصیت باارز انقلابی ، ایجاد کنند و در نتیجه بمقاصد پلیدسلطه بر جامعه مسلمان و اجراء نقشه های خطرناك استعمار برسند .

از این رو در آیات قرآن ، دو تعبیر جالب بر معنی می‌بینیم :

اول اینکه در برخی از آیات مثل این آیه : «من یکسب خطیئة او انما ثم یرم به بریثا فقد احمطل بهتاناً و انما مبیناً » (۳) یعنی هر کسی خطا یا گناهی مرتکب شود سپس بی گناهی را متهم سازد بار بهتان و گناه آشکاری بردوش گرفته است «تعبیر لطیفی در این مورد بکار رفته است و آن جمله (یرم به بریثا) می باشد یعنی اینکه گناه را بطور کلی و از جمله بهتان و تهمت را بمنزله تیری می داند که بسوی هدف پرتاب می شود اشاره باینکه همانطوری که در میدان کارزار تیراندازی باعث از بین رفتن انسانها و ریختن خونهای پاک می گردد و همچنین تهمت و بهتان مثل سایر گناهان باعث از بین رفتن آبروی يك فرد بمنزله خون زندگی او است شده آنرا در معرض نابودی قرار می دهد و در حقیقت قرآن با این تعبیر روشنی و مفسده بهتان و اینکه باحیاط و اساس زندگی و خوشبختی

۲- قرآن بهتان را در آیه بالا و آیه ۲۰ سوره نساء ، گناه آشکار (اثماً مبیناً) تعبیر آورده است و جهت آن اینکه التراء و بهتان از جمله اعمال زشت و ناپسندی است که عقل مستقلاً حکم به ناپسندی آن می دهد و نیازی ب ورود نهی از شارع مقدس نیست و به اصطلاح علماء علم اصول حکم بزشتی آن از مستقلات عقلی محسوب می شود و بدین ترتیب قرآن زشتی و پلیدی افتراء و بهتان را از فطریات انسان می داند و زشتی و پدی آنرا محتاج به استدلال و اقامه برهان نمی داند چنانکه هرانسانی ، ظلم و ستم بغيرا مطابق فطرت اولیه خود آن را بدو ناپسند می داند و همچنین است افتراء و بهتان بدیگری (۲) .

* * *

آها می دانند چرا قرآن بهتان را يك عمل زشت و ناپسند می داند ؟ و آنرا با صراحت تمام مورد مذمت قرار می دهد ؟ برای اینکه با يك کلمه تهمت ، آبروی يك انسان محترم و با شخصیت که سالیان زیادی آنرا با تحمل مشقات و زخمات بدست آورده است و بمنزله خون برای زندگی وی می باشد چه بسا بر باد می رود چنانکه امروزها از ناحیه دشمنان انقلاب اسلامی بدون درك مسئولیت شرعی از روی غرض و مرض تنها برای کوبیدن افراد لایق و سالم و با آبرو

۲- همان مدرك سابق

۳- سوره نساء آیه ۱۱۲

حال برای اینکه خواننده گمان اهمیت این سنگینی بار گناه دیگران را در گردن خود درک کنند روایتی است که در این مورد از امام صادق (ع) وارد شده است که ذکر آن در اینجا بی‌مناسبت نیست .

«الجهتان علی البرئی اثقل جبال راسیات» (۳) یعنی «تهمت زدن با افراد بی گناه از کوههای عظیم نیز سنگین‌تر است» .

چنانکه ملاحظه می‌کنید امام صادق (ع) برای اینکه سنگینی گناه عمل بهتان را که غیر محسوس است برای مسلمانها خوب تجسم کند آنها را بمحسوس تشبیه کرده که هر انسان معمولی نیز می‌تواند آنها را بخوبی درک نماید زیرا هر انسانی در هر مرحله از ادراک که باشد سنگینی کوههای عظیم و هول‌بیکر را خوب می‌تواند تصور کند و باین ترتیب زشتی بهتان را نیز بخوبی نزد خود مشخص می‌سازد .

روی همین ملاحظه است که علی (ع) عمل بهتان و زشتی آنرا به سنگینی آسمان که همواره در برابر دیده‌های انسانها قرار دارد و عظمت و بزرگی و سنگینی آن برای همه مشهود است تشبیه کرده می‌فرماید: «الجهتان علی البرئی اثقل من السماء» «بهتان بر شخص بی گناه (زشتی آن) از آسمان سنگین‌تر است» .

و بدبختی انسان سرکار دارد اشاره می‌کند . این آیه باینکه دیگری نیز دارد و آن اینکه «خطیئه» هر گناه اهم از عمد و غیر عمد را در بر می‌گیرد زیرا هر چه گونه گناهی (اعم از عمد و غیر عمد) با روح سلیم انسان سازگار نیست و اگر از او سر بزند در واقع باین نوع لغزش و خطا است که شایسته انسان آزاد و سمادت طلب نیست ولسی «ائمه» معمولاً به گناهان عمدی و اختیاری گفته می‌شود و در اصل «ائمه» بمعنای چیزی است که انسان را از کار باز می‌دارد و از آنجا که گناهان از جمله تهمت و افتراء آدمی را از کارهای نیکو بازمی‌دارد با آنها ائمه گفته شده است .

و تعبیر دوم در قرآن در مورد تهمت، جمله «فقد احتملوا بهتاناً» در سوره نساء و جمله «فقد احتملوا بهتاناً» در سوره احزاب می‌باشد و آن اشاره به سنگینی و دوام مسئولیتی است که عمل بهتان بردوش هر انسانی ایجاد می‌کند و در حقیقت با بهتان بغیر، بگونه سنگینی و مسئولیتی بسیار بزرگ بر عهده بهتان‌زننده گذارده می‌شود که چه بسا تحمل آن طاقت فرسا است .
آیا هیچ آدم عاقلی صحیح می‌داند که خود را زیر دین و مسئولیت خطیر عذاب‌آور و بدبختی زای بهتان و تهمت قرار دهد ؟

۳- سفینه البحار ج اول ماده بهت

(۳) سفینه البحار ج اول ماده بهت

بهتان عظیم « چرا هنگامی که بیانات منافقین را (در مورد بد گوئی و بهتان پیامبر گرامی اسلام و سایر مسلمانان) شنیدید نگفتید که جایز نیست بهین سخنانی لب بکشائیم ، منزه است ذات اقدس خداوند و این دروغ و بهتان بزرگی است » .

وناگفته پیدا است که تبری مسلمانان از شخص بهتان زنده یک حکم تعبدی نبوده موضوعیت ندارد بلکه وسیله ای است برای تحقق اهداف بزرگ اسلام و یکی از این اهداف ایجاد روابط سالم در زندگی اجتماعی جامعه مسلمین که همه افراد با چنگ زدن بر ریسمان محکم توحید ، بتوانند زندگی سعادت مندانه را ادامه دهند .

و بدیهی است که بهتان مثل سایر صفات زشت مثل دروغ و حسد و ریاء و ... یکی از موانع مهم این ارتباط سالم در جامعه است و باید از بین برود و قرآن نیز برای تحقق این آرمان بزرگ اسلام بصورت های مختلفی عمل می کند مفاد را جائیکه می خواهند با بهتان و تهمت حق زن را ضایع کنند جداً از زن و حقوق مشروع وی دفاع می نماید و در حقیقت از شأن انسانیت بدلساح برمی خیزد در قرآن مجید می فرماید : « وان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آتیتم احدیهن نظاراً فلا تأخذوا منه شیئا تاخذونه بهتانا و اما مهیناً » (۶)

« اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگری بجای او اختیار کنید و مال بسیاری ،

و وظیفه مردم در قبال تهمت به دیگری

در اینجا سؤالی پیش می آید و آن اینکه در مقابل بهتان بردگی بویژه بر رهبری امت اسلام چه رویه ای را باید در پیش گرفت و مسلمانان در قبال این اشخاص متعلقه و بهتان زنده چه وظیفه ای دارند ؟

باید بی تفاوت بود و دست روی دست گذاشت ؟ یا اینکه عکس العمل مستناسب از خود بروز دهند و در حقیقت بهتان زنده را تادیب نمایند و او را بجاده ی هدایت راهنمایی کنند ؟

قرآن در این مورد روش ناطع خود را به این نحو اعلام می دارد که باید مسلمانان شخصی را که بهتان بر دیگران بخصوص بر رهبری امت می زند مورد توبیخ قرار قرار دهند و از طریق نشان کار عمومی ، او را به راه حقیقت بیاورند و این طریقه اصلاح بهترین و ناطع ترین و در عین حال آسان ترین راهی است که می تواند با اصلاح خود و در نتیجه جامعه بی انجامد و برای اینکار اسلام وظیفه ی توبیخ و سرزنش و تبری از شخص بهتان زنده را برای هر فرد مسلمان مقرر می دارد .

خدا در قرآن می فرماید : « ولولا انما سمعتم و قلتم ما یکون لنا ان نکلم بهذا شعبانک هذا

(۴) اثنی عشریه ص ۲۵۰

(۵) سوره نور ص ۱۶

(۶) سوره نساء ص ۲۰

یعنی: «و چگونه آنرا باز پس می گیرند در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید) مجدداً با استفهام انکاری برای تحریک عواطف انسانی مردها اضافه میکند که شما و همسران تن مدت ها در خلوت و تنهایی با هم بوده اید همانند یک روح درد و بدن ارتباط و آمیزش کامل داشته اید چگونه بعد از این همه نزدیکی و ارتباط همچون بیگانه ها و دشمنان با یکدیگر رفتار می کنید و یکدیگر بهتان می زنید و حقوق مسلم همسران را باهمال می کنید؟ سپس می-فرماید: «از این گذشته همسران شما بیمان محکمی بهنگام عقد ازدواج از شما گرفته اند چگونه این بیمان مقدس و محکم را نادیده می گیرید و اقدام به بیمان شکنی و بهتان و افتراء می کنید؟

باز قرآن در جای دیگر در مقام دفاع از مریم و رفع بهتان از او کسانی را که با او نسبت زنا می دادند چنین می گوید: قولهم علی مریم بهتاناً عظیماً» (۸)

(و نیز) بخاطر تهمت بزرگی که بر مریم زدند» (یعنی بنی اسرائیل در راه کفر آنچنان سریع تاخنتند که به مریم پاکدامن، مادر پیامبر بزرگ خدا، که بفرمان الهی بدون شوهر، باردار شده بود تهمت بزرگی زدند). این آیه گرچه در مورد مریم مادر عیسی می باشد ولیکن در حقیقت، دفاع از شرف و حیثیت و حقوق مشروع اولیة هر زنی بلکه هر انسان محترمی است که نباید مورد تهمت و افتراء قرار بگیرد.

مهر او کرده اید البته نباید چیزی از مهر او باز گیرید آیا بوسیله ی تهمت زدن بزین مهر او را می گیرید، و این گناهی فاحش و زشتی اینکار آشکار است.»

مفسران در شأن نزول این آیه چنین می نویسند که: پیش از اسلام، رسم بر این بود که اگر می خواستند همسر سابق را طلاق گویند و ازدواج جدیدی کنند برای ترار از پرداخت مهر، همسر خود را به اعمال منافی عفت متهم می ساختند و بر او سخت می گرفتند تا حاضر شود مهر خویش را که قبلاً دریافت داشته بهر دازد و طلاق بگیرد و همان مهر را برای همسر دوم قرار می دادند، آیه فوق شدت از اینکار زشت جلوگیری کرده آنرا مورد نکوهش قرار می دهد (۷)

چنانکه مشاهده می کنید این آیه برای حمایت از حقوق زنان نازل گردیده به هموم مسلمانان دستور می دهد که بهنگام تصمیم بر جدائی از همسر و انتحاب همسر جدید حق ندارند چیزی از مهر همسر اول خود کم بگذارند و یا اگر پرداخته اند آنرا با بهانه های واهی از طریق تهمت و بهتان و... پس بگیرند. هر قدر هم که مهر زیاد باشد که از آن تعبیر «به غنطار» (مال کثیر و ثروت زیاد) شده است و در تاکید این گفتار بالا در ذیل همین آیه می فرماید: (و کیف تأخذونه وقد افضی بعضکم الی بعضی).

(۷) تفسیر صافی ذیل همین آیه

(۸) سوره نساء ۱۵۶